



مستندات قرآنی و گونه‌شناسی احادیث

«بَابُ فَضْلِ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ» اصول کافی

فریبا صادقی دوست^۱

مسعود حسن زاده گلشانی^۲

چکیده

در این مقاله، مستندیابی قرآنی و گونه‌شناسی «بَابُ فَضْلِ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ» اصول کافی بررسی شده است. یافتن مستندات، مبتنی بر ریشه‌دار بودن کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن، ارائه شده و شناسایی گونه‌ها نیز ضمن ارائه طبقه‌بندی روایات، نحوه ارتباط این فرمایشات با آیات استنادی را روشن می‌نماید. جهت یافتن مستندات قرآنی، افزون بر جستجوی آیات از قرآن، از دیگر منابع همچون شروح کافی و معاجم موضوعی یاری جسته و سپس گونه‌های روایات باب، تبیین و تحلیل شده است. در این نوشتار، روایات مورد پژوهش در سه بخش بررسی شده‌اند که عبارتند از: برتری ایمان بر اسلام، برتری تقوی بر ایمان و برتری یقین بر ایمان و تقوی. مستندات این بخش‌ها به ترتیب در آیات «حجرات/ ۱۴، ۱۵ و...»، «آل عمران/ ۱۰۲، ۱۳۰ و...» و «انعام/ ۷۵، بقره/ ۲۶۰ و...» انعکاس یافته است. گونه‌های روایات باب نیز از نوع مستفادی است.

کلیدواژه‌ها: مستندیابی، گونه‌شناسی، ایمان، تقوی، یقین.

* تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۰۷

۱. کارشناسی ارشد، رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: Fa.sadeghidost@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث

Email: mhasanzade1360@yahoo.com



مقدمه

اعتبار سنجی رایج احادیث معصومین علیهم السلام به دو شیوه سندی و محتوایی انجام می‌شود، از جمله راه کارهای ارزیابی محتوایی، سنجش احادیث با قرآن است؛ چنانکه در حدیث نبوی نیز موافقت با قرآن، معیار پذیرش سخن ایشان معرفی شده^۱ و حدیث ثقلین^۲ نیز افزون بر بیان جدایی ناپذیری اهل بیت و قرآن، می‌تواند بر ارتباط کلمات اهل بیت و قرآن نیز دلالت نماید. فراتر از این، در برخی فرمایشات اهل بیت، همچون امام باقر علیه السلام، جایگاه ممتاز قرآن به گونه‌ای است که منشأ سخنان اهل بیت معرفی شده است.^۳ از این رو یافتن مستندات قرآنی احادیث معصومان و هویدا نمودن منشأ و ریشه قرآنی کلمات ایشان، این احادیث را از نظر طبقه‌بندی به‌سوی احادیث تفسیری - به معنای عام آن - سوق خواهد داد. همچنین گامی در اعتبارسنجی محتوایی احادیث به شمار رفته و قرینه‌ای در راستای جبران ضعف سندی نیز خواهد بود.

از سویی دیگر، احادیث تفسیری اهل بیت نیز خود شامل گونه‌های مختلفی است. نظر به فراوانی و انواع متعدد این احادیث، گونه‌شناسی عهده دار طبقه‌بندی روشمند و موضوعی احادیث تفسیری به انواع مختلف است که از توجه به ویژگی‌های متنی هر نوع، حاصل می‌شود. گونه‌شناسی ضمن برجسته نمودن ارزش تاریخی این میراث روایی - قرآنی، مطالعه روشمند و عرضه به زبان جامعه علمی معاصر را در پی خواهد داشت.^۴ در این نوشتار، گونه‌شناسی ارتباط مستقیمی با نتایج حاصل از مستندیابی دارد و از چگونگی ارتباط روایات کافی با آیات استنادی کشف شده سخن می‌گوید.

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «فما جاءكم عنی من حدیث وافق کتاب الله فهو حدیثی و ما خالف کتاب الله فلیس من حدیثی؛ پس آنچه را که از جانب من به شما رسید، اگر موافق با کتاب خدا بود سخن من است و اگر مخالف با کتاب خدا بود مطمئناً سخن من نیست.» حمیری، عبدالله بن جعفر؛ *قرب/لا سناد*، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۳۷۱ ه.ش؛ ص ۴۴.

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکنم بهما لن تضلوا بعدی: کتاب الله فیه الهدی والنور جبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیته و ان اللطیف الخبیر قد اخبرنی انهما لن یفترا حتی یردا علی الحوض و انظروا کیف تخلفونی فیهما؛ من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می‌گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت و اهل بیت خودم. مادام که شما به این دو دست بیایید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند مگر بر سر حوض کوثر.» کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ *الکافی*، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق؛ ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. امام باقر علیه السلام فرمودند: «إذا حدثکم بشئ فاسألونی این هو من کتاب الله؛ هرگاه درباره چیزی با شما سخن گفتم، [در مورد شاهد آن] در قرآن از من سؤال کنید.» عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *نور/الثقلین*، قم: انشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه.ق؛ ج ۱، ص ۴۴۳.

۴. راد، علی؛ «گونه‌شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق»، تفسیر اهل بیت، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۳، ص ۳۵-۶.



این پژوهش به دنبال مستندیابی و گونه‌شناسی روایات شیعه، به بررسی باب «فَضْلُ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ الْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ» کتاب کافی می‌پردازد. گزینش این کتاب از آن‌روست که کافی مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه به شمار می‌رود، به‌ویژه آنکه کلینی نیز در مقدمه کتاب، عرضه روایات بر قرآن را یکی از مهم‌ترین معیارهای مرجحات حدیثی ذکر کرده که می‌تواند در ارزیابی صحت روایات نقش مؤثری ایفا نماید.^۱

باب «فَضْلُ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ الْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ» که بر اساس کلان‌پروژه پژوهشی گزینش و در این مقاله بدان پرداخته شده است، بخشی از کتاب «الایمان و الکفر»، گسترده‌ترین بخش اصول کافی است که بعد از کتاب «الحجة» و قبل از کتاب «الدعا» قرار دارد. در روایات این باب به این مسئله پرداخته شده که مؤمنان در باورهای دینی خویش، یکسان نبوده و در مراتب متفاوتی قرار دارند.

اگرچه در برخی منابع همچون بحارالانوار، میزان الحکمة و ... آیات مرتبط با روایات باب «فَضْلُ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ الْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ» گزارش شده، اما مستندیابی روایات آن تاکنون انجام نشده است. درباره گونه‌شناسی نیز هرچند در برخی منابع کهن و معاصر - همچون التبیان، مجمع‌البیان و المیزان - اصطلاح و مباحث نظری گونه‌شناسی به چشم نمی‌خورد، اما نگاه اجتهادی به گونه‌شناسی در تدوین این منابع کاملاً مشهود است.^۲ افزون بر آن، کتاب‌ها و مقاله‌هایی نیز درباره چیستی و انواع گونه‌های احادیث تفسیری نگاشته شده است.^۳ که این نوشتار ضمن بهره‌مندی و تطبیق آموزه‌های آن‌ها بر روایات باب «فَضْلُ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ الْيَقِينِ عَلَى الْإِيمَانِ»، به گونه‌شناسی این روایات می‌پردازد. در نوشتار حاضر، فرازهای شاخص متناسب با عنوان باب از احادیث، استخراج شده و مستندات قرآنی و گونه‌شناسی آن ارائه شده است. یافتن مستندات قرآنی از طریق جستجوی کلیدواژه‌ای، استفاده از معجم‌های موضوعی و لفظی و بهره‌مندی از کتب معتبری همچون بحارالانوار، میزان الحکمة، وافی، وسائل‌الشیعة، مرآة‌العقول و دیگر شروح کافی، امکان‌پذیر گشته و درنهایت گونه‌شناسی آن ارائه شده است. روایات باب در سه بخش ارائه می‌شود: برتری ایمان بر اسلام، برتری تقوا بر ایمان و برتری یقین بر ایمان و تقوی.^۴

۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۶۹.

۲. راد، علی؛ پیشین.

۳. برای نمونه می‌توان از «گونه‌شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق»؛ «درآمدی بر تفسیر روایی جامع»، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت» نام برد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: راد، علی؛ پیشین.

۴. با توجه به اینکه در فراز پنجم این باب آمده است: عَنْ يُونُسَ قَالَ: «... قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ الْيَقِينُ قَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِلَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّقْوِيَةُ إِلَى اللَّهِ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ ذَلِكَ قَالَ هَكَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ». کلینی، محمد بن یعقوب



الف) برتری رتبی ایمان بر اسلام

گفتار امام صادق علیه السلام مبنی بر برتری ایمان بر اسلام^۱ که مرحوم کلینی آن را عنوان باب قرار داده، بیانگر تمایز ایمان و اسلام است. «ایمان» که در کتب لغت به دو معنای «تصدیق کردن»^۲ و «امنیت»^۳ آمده، امری قلبی است^۴ که از باطن و درون فرد برخاسته و با روح او پیوند خورده و آرامش درونی را برای وی به ارمغان می‌آورد.^۵ بنابراین منظور از ایمان معنای مصدری آن (باور کردن) نیست؛ بلکه منظور معنای اسم مصدری است که همان اثر حاصل و صفت ثابت در قلب مؤمن است که منشأ اعمال صالح می‌شود.^۶ در مقابل، «اسلام» به معنای «صحت و عافیت»^۷ و «دوری از هرگونه عیب و نقص»^۸ و «دوری از فساد»^۹ است و به اقرار و اظهار زبانی به عقاید اسلام اطلاق می‌شود. اسلام از افعال اختیاری انسان به شمار آمده

بن اسحاق؛ پیشین؛ مطالبی را در خصوص حقیقت و چستی یقین آمده و این مطالب خارج از عنوان اصلی است. پس در این نوشتار مجالی برای پرداختن به آن نیست. به همین دلیل از آن صرف نظر شده است.

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ... بدون شک ایمان از اسلام برتر است...» کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ پیشین؛ این روایت بر زبان سه امام «امام باقر، امام موسی کاظم و امام رضا علیهم السلام» نیز جاری شده است. البته در برخی موارد با کمی تفاوت واژه، از جمله «الْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ، الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ» بیان شده است. در اینجا در ابتدا به اسلام به عنوان یک درجه اشاره داشته و سپس ایمان را به عنوان درجه‌ای بالاتر از اسلام معرفی کرده است.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، گرد آورنده: محسن آل عصفور، محقق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق؛ ج ۱۳، ص ۲۱؛ جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین؛ ج ۵، ص ۲۰۷۱.

۳. أحمد بن فارس بن زکریا بن محمد بن حبیب، أبو الحسن؛ معجم اللغة، تحقیق: زهیر عبد المحسن سلطان، بیروت مؤسسه الرسالة؛ ج ۱، ص ۸۸؛ مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی؛ مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت؛ ص ۴۲. البته قابل ذکر است که با توجه به تعریف ایمان، معنای لغوی نخستین، با تعریف آن سازگاری بیشتری دارد. این نکته در تعریفی که برخی دانشوران از ایمان ارائه داده‌اند، مشهود و آشکار است.

۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه.ش؛ ج ۱، ص ۱۳۰.

۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ه.ش؛ ج ۶، ص ۹۹.

۶. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ش؛ ج ۵، ص ۳۳۲.

۷. ابن فارس، احمد؛ معجم المقاییس فی اللغة، تحقیق: شهاب الدین ابوعمر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ ج ۳، ص ۹۰-۹۱.

۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، پیشین؛ ج ۲، ص ۷۵۸.

۹. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش؛ ج ۵، ص ۱۹۱-۱۹۲، ماده «سلم».



و به انگیزه‌های متفاوتی ممکن است رخ دهد.^۱ بنابراین از آنجاکه ایمان، افزون بر ادراک، پذیرفتن نفس را نیز به همراه دارد، فرد متخلّق به درجه ایمان، از برتری رتبی نسبت به مرتبه اسلام برخوردار است.

مستند ۱

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ^۱ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ^۲؛ «اعراب بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگوئید اسلام آورده‌ایم، چراکه هنوز ایمان در قلب شما وارد نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما فروگذار نمی‌کند. خداوند، آمرزنده مهربان است. مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند. آن‌ها راستگویانند.

در این آیه آمده است که اعراب بادیه‌نشین، ادعای ایمان کردند؛ اما خداوند به آن‌ها می‌فرماید: شما فقط اقرار به اسلام داشته‌اید و ایمان هنوز در دل‌هایتان وارد نشده است.^۳ کلام الهی در این آیه، مبتنی بر برتری ایمان بر اسلام ارائه شده است. در ادامه، با آوردن «إِنَّمَا» مؤمنین را منحصر به کسانی کرده که به خدا و رسول او ایمان داشته و در ایمان خود شک نمی‌کنند و این ایمان سبب می‌شود که با تمام هستی خود، یعنی اموال و جان‌شان، در راه خداوند جهاد کنند.^۴ مفهوم آیه این است که اگر کسی فاقد برخی از این ویژگی‌ها باشد، ایمانش حقیقی نیست و به قرینه ابتدای آیه، فقط اسلام آورده است. قرینه مقابله ایمان و اسلام که در ابتدای آیه آمده، برتری مرتبه ایمان بر اسلام را می‌رساند.

۱. محمدی ری‌شهری، محمد؛ «دانشنامه عقاید اسلامی معرفت‌شناسی»، قم: دارالحديث، ۱۳۸۶ هـ.ش؛ ج ۱، ص ۱۳۷.
 ۲. حجرات / ۱۵-۱۴؛ آیت الله ری‌شهری و ملاّ خلیل قزوینی این آیه را در رابطه با فراز مذکور از روایت امام صادق ارائه کرده‌اند؛ رک. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان/الحکمه، حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۸-۱۳۷۷ هـ.ش؛ ج ۱، ص ۵۷؛ قزوینی، ملاّ خلیل بن غازی؛ الشافی فی شرح کافی، ترجمه محمدحسین درایتی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۷ هـ.ش؛ ج ۱، ص ۵۴۱.

۳. طباطبائی، سید محمد حسین؛ پیشین؛ ج ۱۸، ص ۳۲۸.

۴. رک. طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع، پیشین.



مستند ۲

﴿يُؤْمِنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمْتُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱؛ آن‌ها بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند. بگو اسلام آوردن خود را بر من منت نگذارید؛ بلکه خداوند بر شما منت می‌نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر [در ادعای ایمان] راستگو هستید!

در اینجا افراد بر پیامبر به خاطر ایمانشان منت می‌گذارند. در حالی که آن‌ها در ادعایی که نسبت به ایمان دارند، هرگز صادق نیستند و تنها در ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند و اقرار به اسلام داشته‌اند.^۲ این آیه ایمان را هدفی معرفی می‌کند که هدایت به سوی آن از مسیر اسلام امکان‌پذیر خواهد بود. بر این اساس می‌توان رتبه ایمان را به خاطر غایت اسلام بودن، برتر دانست.

مستند ۳

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى﴾^۳؛ [به خاطر بیاورید] هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند و [در مقابل] خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت.

در این آیه ابتدا به غرور، تکبر و خشم دوران جاهلیت که از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کافران از ایمان به خداوند و تسلیم شدن در برابر دستورات پیامبر اشاره شده است. این موارد از شاخصه‌های برجسته فرهنگ جاهلیست و در مقابل فرهنگ اسلام که به سکینه، آرامش و تسلط بر نفس دعوت می‌کند، قرار می‌گیرد.^۴ «کلمه تقوا» که در آیه مذکور آمده، در روایتی از پیامبر ﷺ، «لا اله الا الله» معرفی شده

۱. حجرات/۱۷؛ ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دلائل الاسلام، آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۵ ه.ق؛ ج ۱، ص ۱۲؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق؛ ج ۶۶، ص ۲۳۹. در کنار آیه قبل به دو آیه مذکور در مورد برتری ایمان بر اسلام اشاره کرده است و بیان می‌دارد که اینان تنها ادعای ایمان داشته‌اند در حالی که فقط اسلام را پذیرفته بودند.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه.ش؛ ج ۲۲، ص ۲۱۷.

۳. فتح/۲۶؛ رشیدی، الزین؛ المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، بیروت: دارالفکر المعاصر؛ ج ۱، ص ۱۷۴. در مورد اینکه ایمان راه سعادت است به این آیه اشاره کرده است.

۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ پیشین؛ ج ۲۲، ص ۹۵.



است.^۱ برخی نیز مراد از تقوی را در اینجا ایمان دانسته‌اند.^۲ واژه «سکینه» در حالت‌های مفرد و مضاف در آیات بقره/۲۴۸ و توبه/۲۶ و ۴۰^۳ به کار رفته که در هر سه آیه، آرامش و سکینه، فقط همنشین^۴ مؤمنین قرار گرفته است. نتیجه این بررسی حاکی از آن است که خداوند آرامش را به خاطر ایمان، بر قلوب مؤمنان حکم فرما کرده است.^۵ از آنجاکه در قرآن این واژه فقط درباره «مؤمن» آمده و درباره «مسلم و اسلام» نیامده، جایگاه والاتر ایمان و برتری آن بر اسلام را می‌رساند.

مستند ۴

﴿وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۶؛ بال [عطوفت] خود را بر مؤمنین بگشای.

﴿وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۷؛ بال خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، بگشای.

در هر دو آیه خداوند بیان می‌دارد که برای مؤمنان فروتن باش. عبارت «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ» برای نهایت فروتنی و کنایه از لطافت خوی و تواضع است.^۸ که در قرآن کریم خداوند این تعبیر را برای اهل ایمان ذکر کرده است؛ نه برای اهل اسلام. از اینکه قرآن این واژه را فقط درباره مؤمن آورده، می‌توان به این نتیجه رسید که جایگاه ایمان والاتر و برتر از اسلام است.

۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)؛ ج ۶، ص ۸۰.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین؛ پیشین؛ ص ۲۸۱.

۳. (وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ).

۴. (ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...) (۲۶) (إِلَّا تَتَضَرَّوْهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيْدُهُمْ تُجَنُّودٌ لَّمْ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (۴۰)

۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: چندلر، دانیل؛ مبانی نشانه‌شناسی، مهدی پارسا، سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ه.ش؛ ص ۱۲۷ به بعد.

۶. ر.ک. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، پیشین؛ ج ۹، ص ۱۹۱.

۷. حجر/۸۸؛ با بررسی اینکه خداوند در قرآن از پیامبرش می‌خواهد که فروتنی را برای چه کسانی به خرج دهد، ابن حمید، صالح؛ ابن ملوح، عبدالرحمن بن محمد؛ موسوعها للنصرة النعیم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم، جده: دار الوسیله؛ ج ۱، ص ۱۵۰. به دو آیه مذکور اشاره داشته است.

۸. شعراء/۲۱۵.

۹. ر.ک. طباطبایی، سید محمد حسن؛ پیشین؛ ج ۱۲، ص ۱۹۲.



مستند ۵

﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ﴾ * الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۱﴾ هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می‌کند * آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن [و آرام] است. آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

عبارت ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ﴾ به عنوان بدل یا تفسیری برای «مَنْ أَنَابَ» به کار رفته است.^۲ و منظور از «أَنَابَ» روی آوردن به سوی حق و بازگشتن به سوی خیر است.^۳ خداوند با توجه دادن بنده‌هایش به نعمت‌ها و جزای خیری که برای آنان فرو فرستاده، آن‌ها را به سوی آرامش دل و اطمینان سوق می‌دهد و برای دل پر از اضطراب انسان، چیزی بهتر از نویدهای صادق و حتمی خداوند نیست.^۴ این طمأنینه و آرامش در قرآن تنها برای مؤمنان ذکر شده است.^۵ از این رو، می‌توان به نوعی برتری ایمان نسبت به اسلام را از آیه استنباط کرد.

افزون بر روایاتی که به طور مستقیم به برتری ایمان بر کعبه می‌پردازد، در روایتی، امام باقر (ع) برتری ایمان بر اسلام را همچون برتری کعبه بر مسجد الحرام دانسته‌اند.^۶ از آنجاکه پیش‌تر به برتری ایمان بر کعبه پرداخته شد، اکنون تشبیه مورد اشاره روایت را تبیین و مستندیابی می‌کنیم.

کعبه قبله‌گاه مسلمین است و به خاطر وجود آن، همه ساله جمعی از مسلمانان در مسجد الحرام

۱. رعد/ ۲۸-۲۷؛ رشیدی، الزین؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۱۲۸۰؛ به این آیات در مورد اینکه ایمان سبب سعادت است، اشاره داشته است.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ پیشین؛ ج ۱۰، ص ۲۰۹

۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۲۲۸.

۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ پیشین؛ ج ۶، ص ۴۴۷.

۵. ﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَزْوَاجًا مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ بقره/ ۲۶۰؛ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ نحل/ ۱۱۲.

۶. امام باقر (ع) می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ الْإِيمَانَ عَلَى الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ كَمَا فَضَّلَ الْكُعْبَةَ عَلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ هَمَانَا خُدا ایمان را بر اسلام به یک درجه فضیلت داده، چنانکه کعبه را بر مسجد الحرام فضیلت داده است». کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین.



گردآمده و به عبادت مشغول می‌شوند. فضیلت مسجدالحرام به خاطر برتری و فضیلت کعبه است^۱، چنانچه اگر شخصی را در کعبه مشاهده کنیم، می‌توانیم شهادت دهیم که او در مسجدالحرام بوده است^۲، اما عکس آن صادق نیست. به همین ترتیب، ایمان نیز فراتر و پرفضیلت‌تر از اسلام است و برای نیل بدان، می‌باید از وادی اسلام گذشت و عکس آن صادق نیست و اسلام، ایمان را در بر نمی‌گیرد^۳. ابتدا برخی آیات مرتبط با کعبه و سپس برخی آیات مرتبط با مسجد الحرام ارائه می‌شود و در نهایت به بررسی تطبیقی آن‌ها می‌پردازیم؛

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾^۴؛ نخستین خانه‌ای که برای مردم [و نیایش خداوند] قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پر برکت و موجب هدایت جهانیان است.

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكُعبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾^۵؛ خداوند کعبه، بیت [الله] الحرام را برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است.

در این آیات، کعبه اولین خانه مبارک و موجب هدایت جهانیان معرفی و از آن به عنوان حرمی امن^۶ یاد شده است. با توجه به عبارت «قِيَامًا لِلنَّاسِ»، مسلمانان در پناه این خانه، قادر خواهند بود که کارهایشان را سامان دهند^۷ و به عبارتی، کعبه مایه قوام و دوام دین و دنیای مردم خواهد بود^۸. این آیات به جایگاه والای کعبه اشاره دارد؛ به ویژه در آیه ابتدایی که از کعبه به عنوان خانه نخست یاد شده است و به لحاظ قدمت نیز کعبه از پیشینه تاریخی کهن‌تری نسبت به مسجدالحرام برخوردار است. درباره مسجدالحرام می‌توان به آیات زیر اشاره کرد؛

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۶۵، ص ۲۵۱.

۲. همان.

۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ شرح الکافی - الأصول والروضه، تهران: المكتبة الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ق؛

ج ۸، ص ۷۷-۷۸.

۴. آل عمران/۹۶.

۵. مائده/۹۷.

۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ پیشین؛ ج ۷، ص ۱۸۷.

۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ پیشین؛ ج ۵، ص ۹۰.

۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۳۴۹.



﴿قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾^۱ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید.

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ﴾^۲ از هر جای که خارج شدی، روی خود را به جانب «مسجدالحرام» کن.

در این آیات، کلمه «شطر» به معنای «بعض» است و مراد از «شطر مسجدالحرام» کعبه است.^۳ با این حال خداوند می‌توانست به جای «شطر مسجدالحرام» از واژه کعبه استفاده کند؛ در حالی که این تعبیر را به کار نبرده است. از این رو ممکن است بتوان چنین گفت که اشاره به مسجدالحرام، به دلیل جایگاه و اهمیت آن است که این اهمیت نیز به دلیل وجود کعبه است.^۴ روی آوردن به سوی مسجدالحرام، به دلیل وجود و محور و اساس بودن کعبه است. با مقایسه بین آیاتی که در مورد فضیلت کعبه و آیاتی که به مسجدالحرام اشاره داشته‌اند، می‌توان به گونه‌ای برتری کعبه بر مسجدالحرام را نتیجه گرفت.

(ب) برتری رتبی تقوی بر ایمان

امام باقر علیه السلام تقوی را یک درجه بالاتر از ایمان دانسته‌اند.^۵ تقوا در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید است.^۶ تقوی از واژه‌های اختصاصی قرآن است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را جمع بین عدل و احسان معرفی می‌کند.^۷ به اعتقاد برخی، تقوی دارای سه مرحله است: نگهداشتن نفس از عذاب جاودانه، خودداری از سایر گناهان - شامل ارتکاب محرمات و ترک واجبات - و در نهایت باز داشتن و حفظ قلب از وابستگی و علاقه به غیر خداوند. تقوای متعارف بین مؤمنین مرحله دوم است و مرحله نهایی، مخصوص اولیای الهی است.^۸ می‌توان گفت، چون در این حدیث یقین بالاتر از تقوی فرض شده، تقوایی که در این

۱. بقره/۱۴۴؛ رشیدی، الزین؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۱۱۱۲، به این دو آیه در مورد پذیرفتن قبله اشاره کرده است.

۲. بقره/۱۴۹.

۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۲۵.

۴. همان.

۵. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «...التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ...»... تقوی یک درجه بالاتر از ایمان است...». کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، پیشین. این روایت از زبان سه امام (امام صادق، امام موسی کاظم و امام رضا علیهم السلام) نیز بیان شده است.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع؛ ج ۱۵، ص ۴۰۲.

۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۵۹.

۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.



روایت آمده، اشاره به مرحله دوم است.^۱ بنابراین تمام متقین، مؤمن و تمامی مؤمنین، مسلمانند؛ اما عکس آن صادق نیست و ممکن است مسلمانی هنوز ایمان در قلبش رسوخ نکرده باشد و مؤمنی هنوز به درجه تقوی نرسیده باشد. از این‌روست که ایمان بالاتر از اسلام و تقوی بالاتر از ایمان قرار می‌گیرد.^۲ در اینجا به برخی از آیاتی که ممکن است مستند امام باشد، می‌پردازیم:

مستند ۱

در آیات قابل توجهی از قرآن، همچون آل عمران/ ۱۰۲، ۱۳۰ و ۲۰۰، بقره/ ۲۷۸، حدید/ ۲۸، مائده/ ۳۵، توبه/ ۱۱۹، احزاب/ ۷۰، خداوند از مؤمنان می‌خواهد که تقوا پیشه کنند.^۳ برای نمونه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا، اتَّقُوا اللَّهَ﴾^۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید!

این تعبیر اشاره به کسانی است که از ایمان برخوردارند و خداوند از آن‌ها می‌خواهد که تقوای الهی را پیشه کنند، یعنی اینکه مراحل و مراتب بالاتری را کسب کنند.^۵ اگر تقوی و ایمان برابر باشند، این خواسته خداوند، تحصیل حاصل است. بر این اساس می‌توان گفت ایمان، پیش‌زمینه‌ای برای تقوی است و تقوی مرحله و درجه‌ای است که باید بعد از ایمان، بدان دست یافت. با توجه به این توضیحات، برتری رتبی تقوی بر ایمان روشن است.

مستند ۲

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾^۶ تقوا پیشه کنید از خدایی که به او ایمان آورده‌اید. جمله «أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» اشاره به علت امر به تقوا دارد؛ یعنی اکنون که به خدا ایمان آورده‌اید، این

۱۴۰۴ هـ.ق؛ ج ۱۲، ص ۳۲۵.

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۱۳۰.

۲. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، پیشین؛ ص ۱۶۰.

۳. آل عمران/ ۱۰۲ و ۱۳۰ و ۲۰۰؛ مائده/ ۳۵؛ توبه/ ۱۱۹؛ احزاب/ ۷۰؛ حدید/ ۲۸؛ حشر/ ۱۸؛ رشیدی، الزین؛ پیشین؛ ص ۲۴۵. در بخش امر به تقوی به آیات بسیاری اشاره شده است که در تمامی آنها این فراز، مشترک است.

۴. آل عمران/ ۱۰۲.

۵. قرآنی، محسن؛ تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی، درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ه.ش؛ ج ۲، ص ۱۲۳.

۶. مائده/ ۸۸؛ ممتحنه/ ۱۱.



ایمان را با تقوا تکمیل کنید.^۱ گویا ضمیمه شدن تقوا به ایمان، التزام عملی به ایمان سابق را در پی دارد.^۲ و استمرار این تقوا زمینه ساز مراتب بعدی درجات مؤمن است.^۳ در واقع برتری رتبی تقوا بر ایمان که در برخی فرمایشات اهل بیت علیهم السلام بیان شده، از این آیه استفاده می‌شود.

ج) برتری رتبی یقین بر ایمان و تقوی

در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام یقین برتر از ایمان و تقوی معرفی شده است و چیزی پرقیمت‌تر از یقین نیست.^۴ بر این اساس، افراد با یقین، والاتر از افراد با ایمان و نیز والاتر از افراد متقی معرفی شده‌اند؛ چرا که احتمال نقض، از بین رفتن و مخالفت با ایمان به وسیله وسوسه نفس و شیطان وجود دارد؛^۵ در حالی که این حد از شکندگی هرگز در مرتبه یقین وجود ندارد.^۶

از سویی، چنان‌که گذشت، تقوی دارای درجات و مراتبی است، از این رو ممکن است یقین به آخرین درجه و مرتبه نهائی تقوا اطلاق شود.^۷ بر این اساس، تقوا جنبه زیربنایی برای تمام مقامات معنوی دارد و انسان را به یقین متصل می‌کند؛^۸ و اینکه در برخی روایات، یقین پس از اسلام، ایمان و تقوی قرار گرفته است، خود بیان‌گر مراتب و مراحل سیری معنوی است. از جمله مستندات این مدعا می‌توان برخی آیات مربوط به حضرت ابراهیم را برشمرد:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَٰئِمُتَىٰ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي﴾^۹ و

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ تفسیر التحریر و التنویر، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت؛ ج ۵، ص: ۱۹۳.
۲. رک. فضل الله، سید حسین؛ تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ هـ.ق؛ ج ۸، ص: ۳۱۷.
۳. رک. طباطبایی، سید محمد حسین؛ پیشین؛ ج ۱۰، ص: ۱۳۰.
۴. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «... إِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ...» یقین از ایمان بهتر است و چیزی پرقیمت‌تر از یقین نیست.؛ و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... الْيَقِينُ عَلَى التَّقْوَىٰ دَرَجَةٌ...» کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین.
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ مراحل/خلاق در قرآن، جلد یازدهم، اسراء، تفسیر موضوعی؛ ص ۳۱۵.
۶. البته ممکن است در مواردی چون غفلت و عدم توجه و حتی عناد، انسان برخلاف یقینش عمل کند اما این حالت غالباً در مرتبه یقین، رخ نخواهد داد. رک. طباطبایی، سید محمد حسین؛ پیشین؛ ج ۵، ص ۱۲۵ و ج ۷، ص ۷۵.
۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، چاپ اول، ۱۳۶۴ هـ.ش؛ ج ۱، ص ۲۵۰.
۸. گفتاری از تهرانی، آیت الله مجتبی؛ «یقین برتر از تقوی»، خبرنامه شیعه نیوز، صفحه نخست، دین و اندیشه.
۹. بقره/۲۶۰؛ در خصوص این مطلب محمدی ری شهری، محمد؛ پیشین؛ ص ۱۳۸؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۶۷، ص ۱۳۱ به آیه مذکور اشاره دارد.



[یاد کن] هنگامی که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان رازنده می‌کنی؟»

فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد.»

﴿وَكَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾^۱ و این چنین،

ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا از اهل یقین گردد.

در آیه بقره/ ۲۶۰ خداوند از ایمان حضرت ابراهیم سؤال می‌کند و ایشان در پاسخ، ضمن اظهار ایمان، خواستار فزونی یقین خویش است.^۲ از آنجاکه تأیید و پشتیبانی برهان‌ها از یکدیگر باعث افزایش بصیرت و یقین در انسان می‌شود،^۳ مقصود از «اطمینان قلب»، برخورداری از یقینی است^۴ که عوامل زمینه‌ساز شک و تردید در باطن را در نوردد،^۵ بگونه‌ای که مرحله حق‌الیقین که در برخی روایات بدان اشاره شده، دست‌یافتنی گردد.^۶ حضرت ابراهیم خواستار عبور از ایمان و رسیدن به والاترین مراتب یقین است. با توجه به این که اطمینان قلب و یقین، مرتبه‌ای بعد از ایمان معرفی شده، می‌توان برتری رتبی یقین نسبت به ایمان را نتیجه گرفت.

از سویی دیگر، بر طبق آیه: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۷ (همان‌ها که ایمان آوردند و [از مخالفت فرمان خدا] پرهیز می‌کردند)، ایمان اولیای خدا مسبوق به تقوای مستمر است و از برتری رتبی یقین بر ایمان، برتری رتبی یقین بر تقوی نیز قابل استفاده است.^۸

در آیه انعام/ ۷۵ نیز به این نکته اشاره شده که خداوند با نشان دادن ملکوت آسمان و زمین، زمینه و مقدمه به یقین رسیدن حضرت ابراهیم را فراهم کرده است.^۹ آن‌چنان که از برخی دیگر از آیات الهی نیز برمی‌آید، رسیدن به یقین با رؤیت ملکوت آسمان و زمین پیوند خورده، به‌گونه‌ای که یقین هیچ‌گاه از

۱. انعام/ ۷۵.

۲. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛ ج ۲، ص ۳۲۷.

۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۴۲.

۴. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ه.ش؛ ج ۴، ص ۲۵۱.

۵. رک: طریحی، شیخ فخر الدین؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۱۳۲.

۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۳۶۶.

۷. یونس/ ۶۳.

۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ پیشین؛ ج ۱۰ ص ۱۳۰.

۹. ﴿وَكَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾

۱۰. قرائتی، محسن؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۲۹۳.



مشاهده ملکوت جدا نیست.^۱ روشن است مرتبه‌ای که دستیابی به آن با مشاهده ملکوت و آسمان و زمین مرتبط است، جزء اعلی درجات و مراتبی است که انبیا و مقربان^۲ قادر خواهند بود در سیر تکاملی خود بدان دست یابند.^۳

گونه‌شناسی

در این نوشتار گونه‌شناسی ارتباط مستقیمی با نتایج حاصل از مستندیابی دارد و از چگونگی ارتباط روایات کافی با آیات استنادی کشف شده، سخن می‌گوید. از آنجا که گونه‌های تمامی روایات باب یکسانند، گونه‌شناسی همه آن‌ها را به یک‌باره ارائه می‌نماییم. چنین مستندات هر فراز به گونه‌ای تدوین یافته که نخستین مستند هر فراز، شاخص‌ترین مستند است و حاصل استنتاج مستندات بعدی دست‌کم مؤید یا تأکیدی بر مضمون برداشت شده از مستند نخست به شمار می‌رود. بر این اساس فرازهای «برتری ایمان بر اسلام»، «برتری تقوا بر ایمان» و «برتری یقین بر ایمان و تقوا»، چنان که گذشت، با قدری عملیات تفسیری از آیات استنادی مورد بحث، قابل استنباط و استنتاج است.

ممکن است چنین بتوان گفت که امام به تبیین و بازگویی این آموزه‌های قرآنی پرداخته و مضمون آن‌ها را با عبارت‌پردازی خویش بیان داشته است. در این تضمین حدافلی، محتوا مستفاد^۴ از قرآن و عبارت‌پردازی از امام است. از طرفی، فارغ از تصریح یا تلمیح این آموزه‌ها در آیات مورد بحث، می‌توان پیام‌های پیش گفته را از تجرید و الغای خصوصیات آیات مورد بحث نیز استخراج کرد که در این صورت بر اساس نظر آیت الله معرفت می‌توان آن‌ها را - با قدری تسامح - بطن آیه دانست که به معنای مفهوم عامی است که از فحوای آیه استنباط شده^۵ و با عبارت‌پردازی امام بیان شده است.

۱. قرآن در برخی آیات همچون ﴿كَأَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾ تَنْزِيلُ الْجَحِيمِ ﴿تَكَثَّرَ ۖ ۶۵﴾؛ «هرگز، اگر شما از علم یقین برخوردار بودید حتماً دوزخ را می‌دیدید» بر این مدعا دلالت دارد.

۲. ﴿إِنَّ كِتَابَ الْأَنْبَاءِ لَفِي عِلْيَيْنَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلْيُونَ﴾ كِتَابُ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿مُطَفِّفِينَ ۱۸-۲۱﴾.

۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ پیشین؛ ج ۷، ص ۱۶۹.

۴. راد، علی؛ پیشین.

۵. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران، محقق گروه مترجمان، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹؛ ج ۱، ص ۸۷؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ «درست‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن»، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ه.ش؛ ج ۱، ص ۳۱۵.

نتیجه گیری

۱. برتری ایمان بر اسلام، در روایات این باب در فراز «إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ...» انعکاس داشته است که از مستندات آن می‌توان به آیات حجرات/۱۴ و ۱۵ و ۱۷، فتح/۲۶، حجر/۸۸، شعراء/۲۱۵، رعد/۲۸-۲۷، آل عمران/۹۶، مائده/۹۷، بقره/۱۴۴ و ۱۴۹، اشاره کرد.
۲. برتری تقوی بر ایمان، در روایات این باب در فراز «... التَّقْوَى أَفْضَلُ الْإِيمَانِ...» انعکاس داشته است که از مستندات آن می‌توان به آیات آل عمران/۱۰۲، ۱۳۰، ۲۰۰، بقره/۲۷۸، حدید/۲۸، مائده/۳۵، توبه/۱۱۹، احزاب/۷۰، مائده/۸۸ و ممتحنه/۱۱، اشاره کرد.
۳. برتری یقین بر ایمان و تقوی، در روایات این باب در فراز «... إِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالتَّقْوَى وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ» انعکاس یافته است که از جمله مستندات آن می‌توان به آیات انعام/۷۵، بقره/۲۶۰ و یونس/۹۳، اشاره کرد.
۴. گونه‌های روایات این باب، از نوع مستفادی است.





ضمیمه ۱. «روایات باب»

۱. عن الجابر قال: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا أَخَا جَعْفَرٍ إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ؛ جابر گوید: «امام صادق به من فرمود: ای برادر جعفری، بدون شک ایمان از اسلام برتر و یقین از ایمان بهتر است و چیزی پر قیمت تر از یقین نیست.»

۲. عن الوشاء عن أَبِي الْحَسَنِ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَمَا قَسِمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ؛ وِشَاء گوید: «شنیدم حضرت ابی الحسن می فرمود: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است و میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.»

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَعِينٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ الْإِيمَانَ عَلَى الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ كَمَا فَضَّلَ الْكُعْبَةَ عَلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ همران بن اعین گوید: «شنیدم امام باقر می فرمود: همانا خدا ایمان را بر اسلام به یک درجه فضیلت داده، چنانکه کعبه را بر مسجد الحرام فضیلت داده است.»

۴. عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَالْإِيمَانُ عَلَى الْإِسْلَامِ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَالتَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَالْيَقِينُ عَلَى التَّقْوَى دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَا أُوتِيَ النَّاسُ أَقْلٌ مِنَ الْيَقِينِ وَإِنَّمَا تَمَسَّكْتُمْ بِأَذْنَى الْإِسْلَامِ فَيَاكُمْ أَنْ يَنْفَلِتَ^۲ مِنْ أَيْدِيكُمْ؛ ابوبصیر گوید: «امام صادق به من فرمود: ای ابا محمد! اسلام یک درجه است؟ گفتم آری، فرمود: و ایمان یک درجه بالای اسلام است؟ گفتم: آری، فرمود: و تقوی یک درجه بالای ایمان است؟ گفتم: آری، فرمود: و یقین یک درجه بالای تقوی است؟ گفتم آری، فرمود: به مردم چیزی کمتر از یقین داده نشد و شما به پایین ترین (نزدیک ترین) درجه اسلام پسنده کرده اید، مبادا از چنگتان بپرد.»

۵. عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَنِ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ فَقَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ

۱. آی درجه من الدرجات. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۵۱.

۲. «ینفلت» آی یخرج من قلوبکم فجأة. همان.



إِنَّمَا هُوَ الْإِسْلَامُ وَالْإِيمَانُ فَوْقَهُ بِدَرَجَةٍ وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يَقْسَمْ بَيْنَ النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ الْيَقِينُ قَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِلَّهِ وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّقْوِيضُ إِلَى اللَّهِ قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ ذَلِكَ قَالَ هَكَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام؛ يونس گوید: «از امام رضا راجع به ایمان و اسلام پرسیدم، فرمود: امام باقر فرموده است: همانا آن اسلام است و ایمان یک درجه بالاتر از آنست و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان است و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است و میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است، عرض کردم یقین چیست؟ فرمود: توکل بر خدا و تسلیم خدا شدن و راضی بودن به قضای خدا و واگذاشتن کار به خدا، عرض کردم: تفسیر این چیست؟ فرمود: امام باقر چنین فرموده است.»

۶. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرَّضَا قَالَ: الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يَقْسَمْ بَيْنَ الْعِبَادِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ؛ امام رضا فرمودند: «ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوی یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقوی است و میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.»

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن حمید، صالح؛ ابن ملوح، عبدالرحمن بن محمد؛ موسوعه النضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم، جده: دارالوسيلة، ۱۲ ج.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دعائم الاسلام، مترجم آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۲ ج.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ تفسیر التحرير و التنوير، مؤسسة التاريخ العربی، بیروت: ج ۵، ص: ۳۰، ۱۹۳ ج.
۵. ابن فارس، احمد؛ معجم المقاییس فی اللغة، تحقیق: شهاب الدین ابوعمر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۸ ج.
۷. أحمد بن فارس بن زکریا بن محمد بن حبیب؛ أبو الحسین، مجمل اللغة، تحقیق: زهیر عبد المحسن سلطان، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۵ ج.
۸. تهرانی، آیت الله مجتبی؛ «یقین برتر از تقوی»، خبرنامه شیعه نیوز، دین و اندیشه.
۹. جوادى آملی، عبدالله؛ مراحل اخلاق در قرآن، جلد یازدهم، قم: اسراء، تفسیر موضوعی، ۱۸ ج.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملائی، ۵ ج.
۱۱. چندلر، دانیل؛ مبانی نشانه شناسی، مترجم مهدی پارسا، سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۱ هـ.ش.
۱۳. راد، علی؛ «گونه شناسی احادیث تفسیری»، تفسیر اهل بیت، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۳.
۱۴. رشیدی، الزین؛ المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۲ ج.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۶ ج.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ هـ.ش، ۳۰ ج.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعة مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۰ ج.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ هـ.ش، ۶ ج.
۲۰. _____؛ مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ هـ.ش، ۱۰ ج.



۲۱. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۰ ج.
۲۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه.ق، ۵ ج.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، گرد آورنده: محسن آل عصفور، محقق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، هجرت، قم، ۱۴۱۰ ه.ق، ۹ ج.
۲۴. فضل الله، سید حسین؛ تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۴ ج.
۲۵. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی، درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ه.ش، ۱۰ ج.
۲۶. قزوینی، ملاخلیل بن غازی؛ الشافی فی شرح کافی، مترجم محمدحسین درایتی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۷ ه.ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی، مترجم علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار-الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق، ۴ ج.
۲۸. مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ شرح الکافی-الأصول و الروضه، تهران: المكتبة الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ق، ۱۲ ج.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۱۰ ج.
۳۰. _____، ترجمه موسوی همدانی، چاپ اول، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، ۱۳۶۴ ه.ش، ۲ ج.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۶ ج.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد؛ دانشنامه عقاید اسلامی معرفت شناسی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۶ ه.ش، ۹ ج.
۳۳. _____؛ میزان الحکمه، حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۸-۱۳۷۷ ه.ش، ۱۵ ج.
۳۴. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش، ۱۴ ج.
۳۵. معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران، محقق‌گروه مترجمان، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ ه.ش، ۲ ج.
۳۶. مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی؛ مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۲ ج.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه.ش، ۲۷ ج.